

# پلخمون



قیمت: قبلا حساب شده:

معلوم نیست امسال چه  
انگالی تو مازوت ها  
کنین! مازوت صم  
مازوت قریم!

## در حاشیه شروع فصل مازوت سوزی نیروگاهها و تهدید سلامت مردم



کارتون: محمدعلی رحیمی

بانکهای  
تخصصی

گیر کیف / صفحه ۴

چگونه بدون معلم  
آموزش ببینیم؟

سرگین / صفحه ۲

فرار از زندان  
با اتوبوس خط ۱۲

## فرار از زندان با اتوبوس خط ۱۲

- برار گلم! هم چنتا فیلم بزَن بزَن مَشْتی بزَم بیریز رو فلش، شب بُرُم نکا گُتم! اگر بوروسکی جدیدم آمده بیریز!
- یکی دو تا فیلم تو مایه های فرار از زندان دارم. خیلی اکشن و هیجانی ان. برات بیریزم؟
- نه یره! فیلم تخیلی خوش ندرُم!
- تخیلی نیستن که! بر اساس واقعیت درست شدن.
- یرکه اگر فیلمای فرار از زندان خارجی، آزالکی نیستن، پس بریچی هَمشه نُشون مده زنداناشا بالای یک کوهی تو یک جزیره خردویی وسط یک اقیانوسی ول رفته ئی فِقْطَم با هِلکوفتر مَشه از شا در رفت؟ ولی مو که هم هر روز از چِفْتِ ای زندان و کیلاباد خود مازد مُرُم، اونجه نه یک کوه صخره بی هستگ، نه یک جزیره ئی دریایی. زندان ایقَدَر وسط شهر چِفْتِ خنه های مردمه که زندانی بخه فرار کنه، هِلکوفتر نَمَخه، از هم روی بومب زندان عین موساکوتقی یک جستی بزنه، پرتو مره تو خولی خنه ها. تازش هم چاردورشم بولواژ میلان خیابونه ئی چنتا ایسگای اتوبوس خط واحد یک عالم رازنده تاکسی مسافرکشم هستن که جینگی مُرُزنت خنتا، پس بیبین که او فیلمای فرار از آلتکراتز فرار از اِیسلوم، فرار مرغی، فرار مکنزی، فرار از زندان، پایپو، شاوننگ هَمشا آزالکی تخیلی ان.
- آره حق با تونه، ولی مگه خبر رو نشنیدی که: «طرح جایگزینی و انتقال زندان مرکزی مشهد به خارج شهر تصویب شد»؟
- مو که چشمم آب نمُخوره ای زندان از اینجه بره؛ بقول خوسروم، هروخت فورودگا از مُشد رفت بیرون، زندانم مره!



صفحه ۲  
۱۹ آبان ۱۴۰۳  
شماره ۱۱۹

## مشه ایچوره؟!

خسرو آبادیان

### کیفیت خودروی صفر در صفر!



**آبان ۱۴۰۳:** یک نماینده مجلس: بعضی خودروهای صفر حتی اگر وارد معاینه فنی شوند، قبول نمی شوند. (انتخاب)  
**دی ۱۴۰۳:** یک نمایندگی خودرو، اگر برای تحویل خودروی خود می آید، باکفش پاشنه پهن بپوشید. زیرا ترمز خودروهای صفر مان کمی پایین می گیرد یا کلا نمی گیرد. لذا با یک کفش پاشنه پهن موقع نگرفتن ترمز می توانید باگشودن درب سمت راننده و کشاندن پایتان روی زمین به راحتی خودرو را متوقف کنید.

**فروردین ۱۴۰۴:** یک نمایندگی دیگر: افرادی که می خواهند خودرویشان را از نمایندگی تحویل بگیرند، چند نفر هیکلی همراه خودشان بیاورند. زیرا خودروها راحت استارت نمی خورند و هل لازم اند. در اطلاعیه این نمایندگی آمده است: برای روشن شدن نشان ابتدا باید دستی را بخوابانید و از همراهانتان بخواهید ماشین را چهل پنجاه متر هل دهند تا شروع به افزایش سرعت کند. وقتی سرعت ماشین به حدود ۱۵ کیلومتر در ساعت رسید، می توانید کلاچ را رها کنید. اگر عرضه انجام این کار را داشته باشید، ماشین روشن می شود. پس از روشن شدن موتور اجازه دهید خودرو درجا چند دقیقه کار کند و اصلا ماشین را خاموش نکنید. چون ممکن است دوباره حتی با هل هم روشن نشود. یادآور می شود چنانچه خودرو پنجاه متر از محل تحویل دور شود، گارانتی معتبر آن نامعتبر خواهد شد.

**آبان ۱۴۰۴:** نمایندگی خودرو، از امروز به بعد فقط قطعات خودرو را می دهیم و هرکس خودروی خواهد، خودش باید آن را سرهم کند. مشاهدات خبرنگار ما حاکی است به متقاضیان به جز چند تا حلب خالی روغن نباتی چیز دیگری نمی دادند و یک مقام مسئول هم در جواب یکی از افراد که گفت «ما واسه ماشین چند صد میلیونی پول ریختیم، اینا چیه دادین دستمون؟» گفت «ما میلیون ها خودرو با همین حلب ملب ها ساختیم، دادیم دست مشتری. شما یه دونه ش رو هم نمی تونین بسازین؟»

### دنیا خیل معقول کالاها!



**آبان ۱۴۰۳:** قائم مقام وزیر صمت گفت: افزایش معقول کالاها، گرانی نیست. (تسنیم)

**بهمن ۱۴۰۳:** یک مسئول گفت: نخریدن کاپشن در دمای سردتر از منفی پانزده درجه این روزها امری معقول است و خریدن کاپشن خیلی غیرمعقول. تجربه نشان داده است تا دمای منفی ۲۵ کسی نمی میرد. پس نخریدن کاپشن هم توسط خیلی از مردم تا این دما کاملا معقول است.

**اسفند ۱۴۰۳:** یک مسئول نجومی بگیر که این ماه ۱۰۸ میلیون تومان حقوق گرفته است. گفت این مقدار افزایش حقوق غیرمعقول است. وی گفت چرا شخصی که در کل سال حتی یک بار هم طبقه شاندیز نمی رود، حقوقش یک میلیون تومان بیشتر شده است، ولی من که هر سال باید سه چهار بار با خانواده به خارج کشور برویم، حقوقمان این ماه فقط ۱۲ میلیون تومان زیاد شده است؟ این افزایش حقوق من خیلی نامعقول است، خیلی!

## کُخ تو کُخ

منصوره احمدی

### در حاشیه مراسم تقدیر از پرستاران نمونه کشور



### جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی



### در حاشیه تجلیل از فعالان طرح جهش تولید دیم زارها



### در حاشیه تجلیل از فعالان طرح جهش تولید دیم زارها



## روزگار نگران بنزین

روزگاری ست که ما رانگران می داری  
نه گل از دست غمت رست و نه بلبل در باغ  
چون تویی نرگس باغ نظر ای چشم و چراغ  
پدر تجربه ای دل تویی آخر ز چه روی  
کیسه سیم و زرت پاک بیاید پرداخت  
مخلصان رانه به وضع دگران می داری  
همه رانعه زنان جامه دران می داری  
سر چرا بر من دل خسته گران می داری  
طمع مهر و وفا زین پسران می داری  
این طمع ها که تو از سیم بران می داری

گویا صاحب فال کارمندی است که در ساعات بیکاری، در تاکسی اینترنتی کار می کند و نگران گران شدن بنزین است و فال گرفته! حضرت حافظ در بیت اول خطاب به دولت رئیس دولت از طرف صاحب فال می فرماید الان چند ماه است مدام زمزمه گران کردن بنزین را راه انداخته ای و ما را حسابی نگران کرده ای! در بیت بعدی هم اشاره می کند به اینکه از دست شماها همه چیز گران شده، گوشت و مرغ و پوشاک و... همه مردم به ناله و فغان افتاده اند! در ادامه خطاب مستقیم به دکتر پزشکیان، می فرماید حالا که تورنریس جمهوری شدی، چرا فکر گران کردن بنزین هم افتاده ای؟ قبل انتخابات که نگفتی؟ ها؟ ها؟ در این بیت خواهی باشد با اشاره به دولت های قبلی جواب صاحب فال را در لفافه داده است که همه تجربه اش را داریم که این پسران (یعنی دولت های قبلی، البته به کنایه ریز هم زده به اینکه خانم ها نمی توانند رئیس جمهور شوند!) بنزین را گران کردند، در نتیجه طبق تجربه این دولت هم خواهد کرد! در بیت آخر هم حافظ آب پاکی را کامل روی دست همه ریخته است که آقا همه سیم و زور درآمدت صرف بنزین خواهد شد و این فکرت طمع خام است که سیم بران (یعنی مسئولان محترم که حقوق بالا می برند برای خودشان) بنزین را گران نکنند!



در حاشیه بحث قیمت بنزین در دولت

**هدفمندسازی بنزین**

**مسعود پزشکیان وزیر گرون**

کی رفته لو داده توی مجلس که مامی خوایم بنزین رو گرون کنیم؟ 🤔

**شرمند قربان، نماینده هاسؤال کردن، من هم راستش رو گفتم، خودتون گفتین با مردم صادق باشیم.** 😊

**رواجی**

بابا گفتم مردم، با مسئولی که نمی خواد صادق باشین، از وقتی اومدیم، همه چیز گرون شده، به جز همین بنزین لعنتی، آقا چی کار کنیم این هم گرون بشه؟ 🤔

**قالیاف**

غصه نخور، بنده متخصص اوم ترین افزایش قیمت بنزین در تاریخ هستم، این قدر ااروم بود که خودم هم صبح جمعه فهمیدم. 🤔

**قالیاف**

اولا راستی بچه هام نم تو گروه هستم ها، دوما که این آدم رو ریموو کنید، سوم اینکه بگم مجلس با افزایش قیمت بنزین مخالفه ها. 🤔

**مخبر**

مسعود جان غصه نخور، اینا با ما هم همین کار رو کردن، نداشتن بنزین رو گرون کنیم، پول بنزین رو بکش روی مالیات کیف کن. 🤔

**رسلی**

خدا و کیلی بنزین الان از آب معدنی ارزون تره، یه دستی برسونین قیمت رو اصلاح کنیم دیکه، چه وضعشه؟ 🤔

**ظریف**

اگه ظریف روز دولت بندازی بیرون، من همکاری می کنم.

**ظریف**

دود بقیه من روول کن مشکلات رو برطرف کنیم برادر من. 🤔

**همی**

ولی به نظرم بیایم بگیم بنزین رومی خوایم بکنیم لیتری ۲۰ هزار تومن، بعد که ۸ هزار تومن کردیم، مردم خوش حال بشن، ها؟ چی گفتی؟ 🤔

**احمدی نژاد**

نه بابا این کلک اقدیمی شده، بیا همون صفرای پول رو برداریم، قیمت بنزین رو بیکهواز ۳ هزار تومان می بریم روی هشت تا تک تومنی، مردم خوش حال می شن. 🤔

**احمدی نژاد**

حیف که من روزه سکوت گرفتم، وگرنه یک ایده خوب داشتم. 🤔

**احمدی نژاد**

از دست شماها با این ایده های الکیتون. 🤔

**مسعود پزشکیان leftthegroup**

عه! رئیس جمهور کجارت؟ یک ایده خوب دیکه به ذهنم رسیده بود. 🤔

صفحه ۲  
۱۹ آبان ۱۴۰۳  
شماره ۱۱۹

## ترک اعتیاد تضمینی توسط ساقی

نیازی هم به کمپ رفتن نیست و ساقی جنس آور، تبدیل می شود به پیام آور سلامتی و پاکی!



**بلوری ترین پلخمون هفته:** بلوری ترین پلخمون هفته هم می رسد به وزیر ارتباطات، ایشان گفته است که تلگرام و اینستاگرام برای رفع فیلتر شدن باید قواعد ما را بپذیرند! هم آقای وزیر و هم ما نیک می دانیم این قواعد از سوی آن ها پذیرفته نخواهد شد و این یعنی فیلترینگ این دو شبکه ادامه خواهد یافت. یاد حکایت عبید زاکانی افتادیم که می گوید: شخصی شترش گم شد و سوگند خورد که اگر شتر را پیدا کند، آن را به یک درم بفروشد. اتفاقا شتر پیدا می شود و مرد از سوگندش پشیمان می شود. او برای آنکه سوگند خود را نشکند، گربه ای به گردن شتر آویزان کرد و در بازار داد زد: «چه کسی می خرد؟ شتری را به یک درم و گربه ای را به صد درم؟ اما هر دو را با هم می فروشم.» اتفاقا مردی آنجا بود و این صحنه را دید و گفت: این شتر ارزان بود اگر این قلاده را نداشت، حالا هم رفع فیلترینگ آسان بود، اگر این شرط را نداشت.

**ناخالص ترین پاکی هفته:** یک آسیب شناس اجتماعی گفت: به دلیل گران شدن تریاک، ناخالصی های آن بیشتر شده است و آن را با چیزهایی مثل پهن گاو و گوسفند یازد مخلوط می کنند تا سود بیشتری عایدشان شود. البته به نظر ما این ناخالصی اگر کود حیوانی نباشد، خیلی هم خوب است. چطور؟ فرض کنید یک معتاد بار اول تریاک ۲۴ عیار و صد درصد خالص استفاده کرده باشد. دفعه دوم ساقی یک مقدار ناخالصی به آن اضافه می کند و مثلا عیار آن می شود ۹۵ درصد. خلاصه هر دفعه اگر چهار پنج درصد از خلوص این ماده فضایی کم شود، اعتیاد فرد هم روز به روز کمتر می شود و هنگامی که مخدر مصرفی معتاد به صفر درصد برسد، پاک بودن شخص معتاد به صدم درصد خواهد رسید. ضمن اینکه

## برای جلوگیری از سردرد موز بخورید

تو که کردی برایم موز تجویز  
ز تجویز گران قیمت پیرهیز  
اگر پولی به جیب بنده می بود  
نبودم این چنین سردرد، بکریز



## اموال توقیف شده گروه ریش بیش از ۲ هزار میلیارد تومان است

نوابی و نوابی و نوابی  
امون از اختلاسات فضایی!  
بابام می گفت، من باور نکردم  
که بد جوری گروه پول چایی!



## رئیس کمیسیون اصل ۹۰، نباید رفع فیلترینگ بزرگ نمایان شود

همچون بز و بره است، گرگش نکنید  
ریز است به چشم ما، سترگش نکنید  
هر چند که فیلتر کند، فیل که نیست!  
بیهوده و بی جهت بزرگش نکنید



## قالیاف: امروز کسانی هستند که از دنیا می روند و صاحب خانه نمی شوند

همه اینجا ز جسم آزادند  
مثل بنده همه روان شادند  
توی دنیا نشد، ولی اینجا  
خانه آخرت به ما دادند



# چگونه بدون معلم آموزش ببینیم؟

بر اساس گزارش شهر آرا، برخی مدارس مشهد با وجود گذشت بیش از یک ماه از آغاز سال تحصیلی، همچنان معلم ندارند. به طور خیلی اتفاقی دفتر چه خاطرات یک دانش آموز بدون معلم به دست ما رسیده است که چند روز آن را با هم مرور می کنیم.

## روشنه؛ مهارت آموزی

از پس این چند روز سروصدا کردیم. آقای مدیر شاکی شده است. طفلکی ها هرکاری می کنند که ما معلم دار بشویم. نمی شود. قرار شد از امروز به طور نوبتی و چرخشی پدر یکی از بچه ها بیاید و به مادرش بدهد؛ درس از مهارت هایی که خودش دارد. ما پیش قدم شدیم و گفتیم امروز پدرمان بیاید. پدر ما کاربرد آژیا کارخانه است. از پس دنبال چک های مشتری ها دویده. برای خودش یک پا دهنده شده است. پدرمان امروز به ما دویدن آموزش داد. سخت بود. ولی خیلی خوش گذشت.

## یکشنبه؛ هنر آموزی

دیروز هلاک شدیم از پس درس ورزش کار کردیم. با هم کلاسی ها قرار گذاشتیم که امروز یک درس درون کلاسی را کار کنیم. قرار شد همه زنگ های امروز هنر داشته باشیم. البته ما از هنر هم زیاد خوشمان نمی آید و کلا با هر درسی که تویش مداد و خودکار و دفتر داشته باشد، حال نمی کنیم. ولی دیگر چاره ای نیست و باید در مدرسه درس هم بخوانیم.

## شنبه؛ خون آموزی

امروز ما معلم نداشتیم. مثل هفته قبل و مثل از اول سال. راستش را بخواهید، حوصله مان سررفته است. درست است که خوش می گذرد، ولی بد نیست که گاهی یک کلمه هم درس بخوانیم. با بچه ها تصمیم گرفتیم که خودمان درس ها را شروع کنیم تا عقب نیفتیم. قرار شد امروز ورزش کار کنیم. پس بزن بریم!

## سه شنبه؛ آنلاین آموزی

امروز نوبت پدر اصغری بود. او راننده تاکسی است و قرار بود به ما رانندگی درس بدهد. ولی چون مسافر خورد، رفت شهرستان و کلاس کنسل شد. تصمیم گرفتیم به صورت آنلاین درس بخوانیم. آقای مدیر یک کامپیوتر برای کلاس مان آورد تا به اینترنت وصل بشویم. ولی هر کاری کرد، نشد. بهروز که هکر است، رفت پشت سیستم و بررسی کرد. گفت شارژ اینترنت تمام شده است و مدرسه هم پول نداشت که شارژ بخرد. آقای مدیر که عصبانی شده بود، گفت: «...» منظور مؤدبانه اش این بود که برویم توی حیاط تا امروز هم تمام شود.

## چهارشنبه؛ فیلم آموزی

امروز گفتند که فیلم آموزشی برایمان نمایش می دهند. همه خوش حال رفتیم توی سالن تا فیلم بگذارند. فیلم پخش نمی شد. بهروز نگاه کرد، گفت کابل اتصال سیستم به تلویزیون قطعی دارد. نزدیک بود آقای مدیر با همان کابل خودش را سیاه و کبود کند. برای اینکه بیشتر حرص و جوش نخورد، همه فرار کردیم توی حیاط. شانس آوردیم فردا و پس فردا تعطیل است و آقای مدیر می تواند در خانه بستری شود. ما هم از پس توی حیاط دویدیم. باید این دوروزرا استراحت کنیم. تا ببینیم هفته بعد چه می شود.



صفحه ۴  
۱۹ آبان ۱۴۰۳  
شماره ۱۱۹

سینما،  
سرزمین  
چیپس های  
پرسد!



فرهنگ شهروندی

فرهاد ناجی

تجربه دارند، بیشتر اوقات موفق عمل می کنند. موقع نمایش فیلم و در حساس ترین زمان ممکن، یکی از حضار به این نتیجه می رسد که این بهترین لحظه برای خوردن تنقلات است. به محض اینکه در چیپس را باز می کند، به نظر می رسد که هوا پیمای جت از زمین بلند می شود. ناگهان همه حاضران در سالن

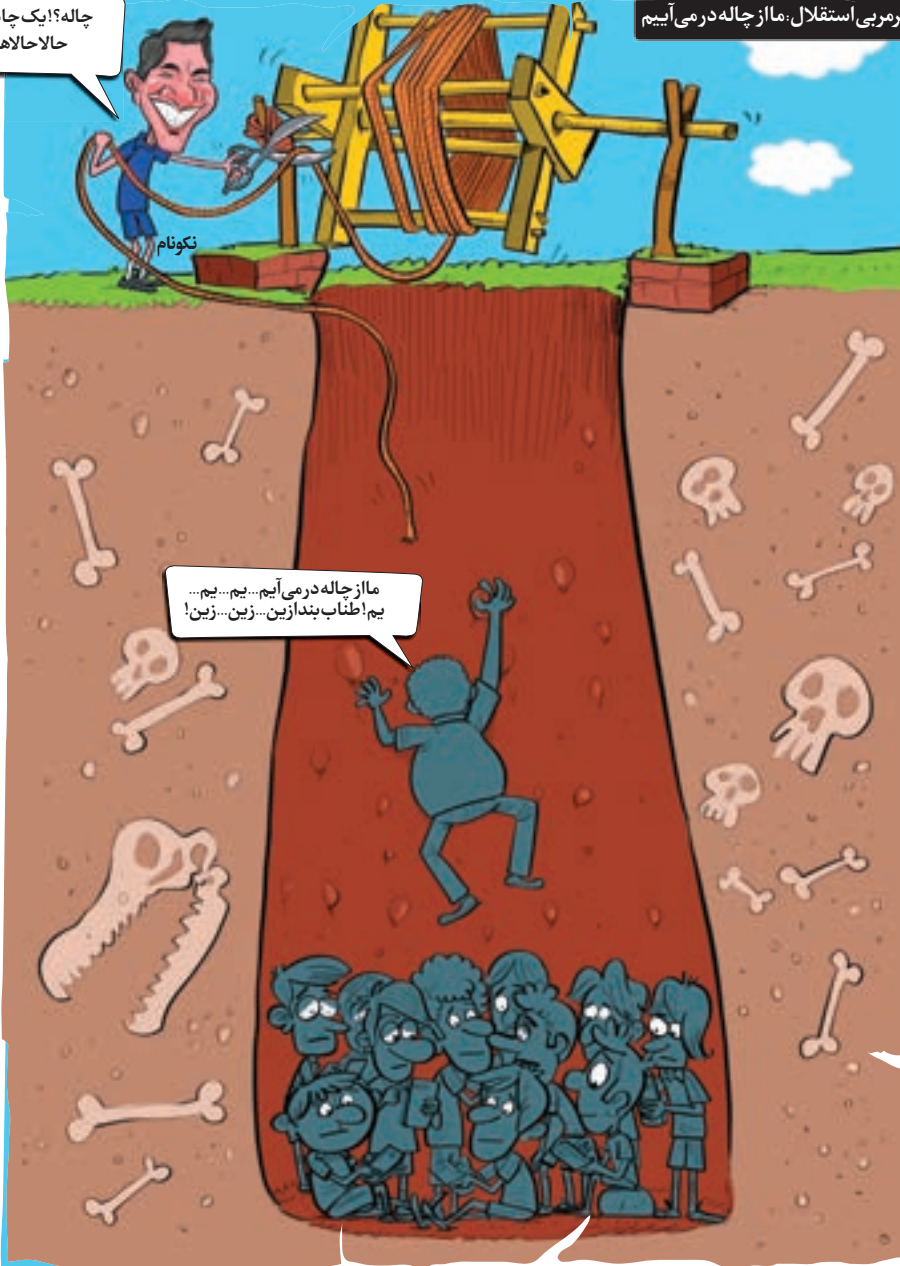
به محض ورود، بوفه سینما خیلی شیک و مجلسی به شما چشمک می زند و دل شما را می برد. فقط شانس آوردیم که تخمه از فهرست تنقلات سینما حذف شده است، وگرنه کار به جاهای باریک ترکشیده می شد. البته چیپس و پاپ کورن و دیگر اقلام مثل شیر آنجا ایستاده اند و منتظرند تا شما را از راه به در کنند و چون در این زمینه سال ها

آه، سینما! مکانی جادویی که در آن داستان ها جان می گیرند، چیپس ها و پاپ کورن ها به پرواز درمی آیند و قهقهه های بی موقع فضا را پر می کند. برای ورود به این مکان جادویی باید بلیت تهیه کنید. اگر توانستید بلیت خود را آنلاین بخرید که هیچ، در غیر این صورت باید در صف بایستید تا چمن ورزشگاه زیر پایتان سبز شود.

# بررسی همه جانبه وضعیت اسفناک تیم استقلال

سرمری استقلال: ما از چاله درمی آییم

چاله؟! یک چاهی براتون کندم که حالا حالاها ازش نمیباین!



ما از چاله درمی آییم... ایم... ایم... ایم! طناب بندازین... زمین... زمین!

پس از نتایج اسفناک تیم استقلال در چندروز گذشته و پنجمین باخت پیاپی این تیم در بازی های رسمی که تاکنون سابقه نداشته است، تصمیم گرفتیم با سرمری، کادرفنی، بازیکنان، پیشکشوتان، کارشناسان و هواداران این تیم گفت و گو کنیم و نظر آن هارا جویا شویم. متأسفانه مربی این تیم متوجه پرسش های ما نشد و فقط با دست اشاره کرد که «بالا خره از چاله درمی آییم» و بازیکنان هم پاسخ تماس ما را ندادند. در ادامه صحبت های دیگران را باهم می خوانیم.

## یکی از اعضای کادرفنی: تیم ما مشکل بدن سازی

داره. بیشتر هم از ناحیه عضله های چهارسرران و کول داریم می بازییم. شاید براتون سؤال بشه که فوتبال چه ربطی به عضلات کول داره؟ بله، ربط داره! وقتی مربی به بازیکن می گه فلان کار رو بکن، بازیکن نباید شونه هاش رو بندازه بالا. باید بگه چشم. همین که شونه هاش رو به نشونه بی تفاوتی می ندازه بالا، مربوط می شه به عضلات کول. توی برنامه داریم که به زودی عضلات کول همه بازیکنان رو دربیاریم تا دیگه جواب سر بالا به مربیان ندهن!

## یک پیشکشوت: متأسفانه ما از جایی ضربه خوردیم

که نباید می خوردیم. یعنی از یه قسمت تیم خراب کردیم که حساس ترین جای تیم بود. اون هم قسمت مربی. ما اگر فصل قبل اون مربی رو نمی آوردیم، کار به اینجا نمی کشید. من نمی خوام پشت سر بازیکنای قدیمی تیم چیزی بگم. ما احترام هم بازیای پیشکشوت خودمون رو داریم و کوچیک همه استقلالیا هستیم. ولی واقعا... (متأسفانه این قسمت صحبت های پیشکشوت محترم نه در شان ما بود، نه شما، نه خودش و نه مربی نگون بخت تیم!) **یک هوادار:** بوق... بوق... (مخاطبان عزیز این ها صحبت های اولیه و از روی عصبانیت هوادار است که سانسور شده. لطفا با صدای بوق ورزشگاهی اشتباه نگیرید! وی پس از آرامش و کشیدن چند نفس عمیق افزود:) آقا مشکل ما هم مربی قدیمیه. هم بازیکن که صدشون رو نمی ذارن و توی کار مربی جدید دخالت می کنن. هم بدن سازی تیم ایراد داره. هم داوری به ضرر ما گرفته همه بازی رو. هم چمن ورزشگاه هایی که بازی داشتیم خراب بود. هم گزارشگرای رادیو و تلویزیون جانب دارانه از تیم حریف ما دفاع می کنن. هم وزارتخونه و فدراسیون حق ما رو کشتن تا تیم رقیب بره بالا. هم... تنها چیز خوب تیم، ما هوادار هستیم که توی هر وضعیتی پشت تیم بودیم.

خرابه. حالا ما امیدواریم با راهنمایی های کارشناسانه ما این تیم دوباره به روزای اوج خودش برگرده. چندتا کاغذ هم هست که باید به دست توپ جمع کنای بازی بعدی برسونیم که گوشه های زمین چال کنن. به بطری مایعات هم هست که باید بریزن روی خط دروازه، ولی مواظب باشن به پر و پاچه شون نیاشه. بعدش دیگه قطعا برد باتیم ماست!

به جز الان که می خوایم سر باعث وبانی این وضعیت رو... بوق (این صدای بوق ورزشگاهی بود!) **یک کارشناس:** به نظر من ایراد اصلی نتایج ضعیف تیم استقلال علاوه بر همه چیزایی که قبلا گفته شد، اینه که تقریبا همه بازیکناش مصدوم هستن. الان استقلال به اندازه یک تیم، مصدوم داره. مربی بدبخت هم که اومده گفته نمی دونسته وضع تیم تا این حد

صفحه ۵  
۱۹ آبان ۱۴۰۳  
شماره ۱۱۹

کارتون: سعید صدیقی



شرکت درکارناوال آشفته ای است که درحاشیه آن می گذرد. بنابراین، دفعه بعد که خود را در سالتی پر از قهقهه، سروصدای تنقلات و رقص نورهای غیرمنتظره می بینید، به یاد داشته باشید که شما فقط در حال تماشای یک فیلم نیستید. شما بخشی از یک سیرک کمدی-تراژدی هستید. پس از نمایش لذت ببرید.

نفر سمت چپی شما به نفر سمت راستی درگوشی بلند می گوید که این بابا آخرش می میرد. در این لحظه است که شما به جای لذت بردن از داستان فیلم، از نظر احساسی خود را برای تشییع جنازه شخصیت اصلی فیلم آماده می کنید. اگر صادق باشیم، رفتن به سینما کمتر برای دیدن فیلم است و بیشتر برای

به سمت او خیره می شوند و در دل چیزهایی نثارش می کنند که در این مقال نمی گنجد. پس از آن، درحالی که سعی می کنید روی فیلم تمرکز کنید، درخشش صفحه نمایش موبایل ردیف جلویی مانند نور بالای خودروی مقابل، چشمان شما را از حدقه درمی آورد و شما را به چیدن آلبالو و گیلان دعوت می کند. پس از چیدن چند سید میوه،

# پر سولیس استقلال خوش حال باشد، الهلال با نیم دوم می آید!

صفحه ۶

قالیباف: به دلیل گرانی قبر

امروز کسانی هستند که از دنیا نمی روند ولی صاحب خانه نمی شوند!

صفحه ۶

خدمات بیمه ای به دلیل پرداخت نشدن مردم حق بیمه کارفرما قطع نمی شود

صفحه ۶

۶۶ درصد از بزرگان اسلام مسئولان دارای فیس صقوی با ۸ مبتلا به پرفشاری خون از بیماری خود اطلاعی ندارند وظایف

صفحه ۶

معاون وزیر بهداشت:

نداشتن ارادت بیماری های قلبی به مادر زن

عامل اول مرگ در کشور است

صفحه ۶

وزیر بهداشت:

باید استادان و دانشجویان را در کشور نگه داریم تا کسی مهاجرت نلند

هالیوود  
لها قیچی  
مونا بلوچ

با اذعان زلمینسکی به عدم ارسال علاقه پوشش از ایران

جورجا ظمان به روسیه، اروپایی ها ایرانی ها به این طنز پایان دهند.

صفحه ۶

زین مردم ترمز قیمت ها در بازار خودرو کشیده شد

صفحه ۶

## تست تصویری

محمد جواد قاضی خواه

وزیر بهداشت: باید استادان و دانشجویان را در کشور نگه داریم.

به نظر شما بهترین روش برای نگه داشتن دانشجویان کدام روش است؟



۲



۱



۴



۳

## بزرگه

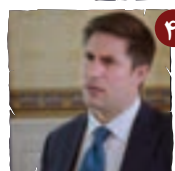
آرش آریایی

در حاشیه تیریک رضا پهلوی به ترامپ برای رئیس جمهوری آمریکا

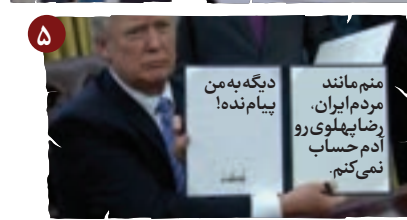
۱. چه؟ این که نوشته شاه ایران، مگه ایران رئیس جمهور نداشت؟! (1)



۲. ایول، ایران پیام فرستاده، فکر کنم می خوان صلح کنن، ببین چی نوشتن. (2)



۳. رضای پهلوی: پرزیدنت ترامپ، پیروزی شما روتیریک می گم، جمهوری اسلامی ایران تهدیدی برای امریکاست، تورو خدا اینا حکومت رواز اینا بگیریده به من شاه باشم... تورو خدا. (3)



۴

۵. منم مانند مردم ایران، رضای پهلوی رو ادم حساب نمی کنم. دیگه به من پیام نده! (4)

صفحه ۶  
۱۹ آبان ۱۴۰۳  
شماره ۱۱۹

## ناسوس

فرشته شایان

عه گربه خیابانی؟ پس شما گربه آقا جوادین؟ نمی دونستم جواد خیابانی هم پت داره. اون وعده انتخاباتی نگهداری از والدین پیرو معافیت مالیاتی بود؟ کنکله داداش. ننه بابای خودتون پولش رو من باید بدم؟ بعد من به ۴۰۰ میلیون جمعیت معافیت بدم، شما میایی کف دستم تف بندازی؟ برین از همون جک و جونوراتون مراقبت کنین، مرسی آه



ترامپ

مگه می خوای کالیباس پیچی دنبال ارگانیک؟ غذای رویال چند میلیونی با هزار جور امگا ۳ و منیزیم و... کوفت می کنن. توی خاک فلان تومنی ادرار می کنن. تشویقی و شامپو ولوسینوشون ترک نمی شه. تهش هم سیس سگ سیاه افسردگی پاچه شون رو گرفته برمی دارن. یه بغل و ناز درست حسابی به آدم خونگی شون نمی دن. ماخیابونیا هرکی هم پیشش پیش کرد، عین بوشوگ می پریم بغلش. اینا رول کن، ترامپ اومد بالا، وقت خرید دلار یا برفوشیم؟



گربه خیابانی

از هر ۱۰ ایرانی یک نفر حیوان خانگی دارد. (ایلنا)



اولا حیوون خودتی وجد و آبادت، من پتم، پت! گرچه میتی کمون می گه تو که همه ش توی کوچه خیابون پلاسی، خونگی حساب نمی شی. به هر حال همه چی خونگی ش بهتره: رب خونگی، غذای خونگی... حیوون هم خونگی ش خوبه، ارگانیکه.



زنبه



صفحه ۷  
۱۹ آبان ۱۴۰۳  
شماره ۱۱۹

## آی کنت اسپیک گود فارسی!

داریم دور خودمان می چرخیم، برویم رستوران شام بخوریم یا یک سیب زمینی تنوری ای چیزی دم خیابان بخوریم. ولی خب همه از مضرات شام سنگین آگاهییم. به ویژه هزینه سنگینی که به ما تحمیل می کند! سیب زمینی تنوری و پنبیری و مکزیکی و... با اسم های من درآوردی هم که خودش واسم هایش سمی است! پس گفتیم یا بستنی بخوریم یا یک نوشابه. این ها هم شکر دارند که مضر است. پس برویم از آبخوری مدرسه یک آب خنکی بخوریم. جگرمان حال بیاید. ولی خب تا بخواهیم قفل و زنجیر آن را باز کنیم، ممکن است بابای مدرسه به هوای اینکه داریم آب سردکن را می دزدیم، چوبی حواله مغزمان کند، درحالی که دستمان در حال تقلا برای درآوردن لیوان فلزی لای میله های آب سردکن گیر کرده است! همان بهتر که برویم خانه. هیچ جاب خانه خود آدم نمی شود. به شرط اینکه در تصمیم گیری بین پرداخت قبض آب و برق و گاز با پول محدودی که باقی مانده است. قبض آب تسویه شده باشد! (پایان)

آخر هفته که می شود، برای نحوه گذراندن اوقات فراغت نمی توانیم تصمیم بگیریم. یک بار تا دوراهی طبقه-شانیز داشتیم بحث می کردیم که کجا برویم. ولی نمی توانستیم با تفاوت فرهنگی طبقه با محله خودمان و تفاوت قیمت شیشلیک شانیز با اشکنه خانه خودمان کنار بیاییم! پس در دوراهی دور زدیم.

گفتیم برویم پارک آبی یا باغ گل ها. پارک آبی و استخر که هیچ وقت وضعیت فرهنگی خوبی نداشته! در باغ گل ها هم که توجه آدم به گل ها جلب نمی شود! پس گفتیم برویم سینما یا موزه. فیلم های سینمایی که کمربند فرهنگی ما هستند، شل و وارفته شده اند و آدم با خانواده، چس فیل (با همین اسم!) بخورد، بهتر از آن است که این فیلم ها به خوردش برود! خانه خودمان هم که موزه است! چون با این تورم، سال هاست که نمی توانیم چیزی را (حتی خودمان را!) عوض کنیم. (همچنین عتیقه هایی شده ایم ما!) تازه موزه هم برویم، چیزی سرد نمی آوریم. از آلمان های تاریخی همین شهر خودمان کسی سؤالی پرسد، پاسخ می دهیم: آی کنت اسپیک گود فارسی!



پس گفتیم برویم پارک یا شهر بازی. خب پارک که مملو است از ساقیانی حافظ نخوانده! که به جز دلستر، قره قوروت هم سرو می کنند! شهر بازی، به ویژه فان فار هم که آن قدر تحریم ها را برای تعویض قطعات دور زده که پیچ هایش شل شده و هر آن ممکن است بچرخد و بچرخد و بچرخد و کمانه کند این طرف و آن طرف!

خلاصه گفتیم حالا که دیروقت شده است و از صبح تا الان (و حتی قبل تر!)

## منصوریان می توانند رئیس جمهور شود، به شرطی که اول مدرک دیپلمش را بگیرد.

فیروز کریمی: (خبر آنلاین)

دکتر ملکی:  
ما قول می دهیم  
به بهنام تشکر  
بگوییم دکتر  
افشار، به شرطی  
که سروش صحت  
قول بدهد در همه  
سریال هایش این  
نقش را جا ندهد.

قالیباف:  
ظریف می تواند  
در دولت  
مسئولیت بگیرد،  
به شرطی که قول  
بدهد هیچ وقت  
قهر نکند.

سایه:  
کیفیت  
خودروهایمان  
رامی توانیم افزایش  
دهیم، به شرطی  
که مردم برای  
همین خودروهای  
بی کیفیت صف  
نکشند

مهدی تاج:  
کارلوس  
کی روش  
می تواند دوباره  
سر مربی تیم ملی  
شود، بدون هیچ  
شرطی.

اصغر فرهادی:  
ایرج ملکی  
می توانست برنده  
جایزه اسکار  
شود، به شرطی  
که در برنامه اسکار  
مهران مدیری  
شرکت می کرد.



# بانک‌های تخصصی

این راکه رئیس بانک مرکزی گفته است «بانک‌های کشور تخصصی می‌شوند» به فال نیک می‌گیریم و ما هم چند نمونه بانک تخصصی را خدمت شما معرفی می‌کنیم:

بانک واردات دیش



موعدا بازپرداختش کی هست؟

این چندرغاز چه قابلی داره؟ پرویه سلامت!

بانک هم دردی نوین



اخی اطفالکی! وام رو واقعا لازم داشتی؟ می فهمم، خیلی سخته بخوای ولی نشه.

بانک اعتمادزبانیان



امروز هم که ضرر کردیم، سپرده م به فنا رفت!

فکر کردی جاهای دیگه برات تخم دوزده میدارن؟ اینجا دست کم از بورس ضررش کمتره!

بانک خفت



جناب، عرض کردم ندارم، چرا متوجه نمی‌شین؟

پولت می‌کنم، نگران نباش، همه اولش همین رومی‌گن!

بانک مسکونی سازان



قرار بود وام خرید مسکن بدین، این چیه دیگه؟

دیگه تا شما مدارک رو جور کنین و ما وام بدیم، با پولتون فقط می‌تونین جا کلیدی خونه رو بخیرین، مبارک باشه... مشتری بعدی!

بانک گردشگران



می‌رین گردش؟

مجبوریم! فکر کردی ما از اونا شیمیم که به وظیفه اصلی مون یعنی گردشگری بی توجهی کنیم؟!

## در حاشیه پیروزی ترامپ در انتخابات آمریکا خریا فیل؟

برای ما ندارد هیچ فرقی چه کس در هر ایالت پیشنهاد است؟

که این ماشینش افتاده به پت پت که آن فعلا به جاده تخت‌گاز است

که این اهل جدال و جنگ و دعواست که آن رام و به راه است و بساز است

که این یک هست شهره در تقلب که آن یک فاسد است و حقه باز است

که این باشد خپل، باهیکی پست ولی برعکس، آن یک قددراز است

که می باشد جنیفر باوکیل و جناب ماسک با آن برج ساز است

چه فرقی آخرای انسان عاقل میان خوک وحشی باگراز است؟

نمی دانی سلاح هردوتا شان به وقت حمله چنگال است و گاز است

چه کس گفته سگ زرد هویچی شغالی را به نسبت امتیاز است

حیایی گریه بدذات رانیست در دیزی به مطبخ تاکه باز است

چه فرقی هست مابین خر و فیل؟ از این دو بهترین کار احتراز است

به سوی هردوتا نفرین ملت پس از هر نوبت راز و نیاز است

نیازی هم به جو بایدن نداریم به یک جو همت و غیرت نیاز است

نمی بندند درب مسجدی را برای یک نفر که بی نماز است

خوشا ایران ما، فارغ از این دو که دائم پرچمش در اهتزاز است

## شوخن

الهی! اگر ممکن است، خواسته‌های قلبی مان را چندمگاتصدانه به واقعیت نزدیک کن. اگر متوجه منظورم نشدی، تقصیر بنده نیست. فرهنگستان زبان و ادب فارسی معادل «تصدانه» را برای واژه بیگانه «پیکسل» برگزیده است!

**بلخمون**

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهر آرا  
 صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
 مدیر مسئول: سیدمیشم موسوی مهر  
 سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی  
 دبیر ضمیمه: ارزنگ حاتمی  
 دبیر بلخمون: مجتبی نخعی راد  
 صفحه آرایی: سید هاشم دقیق

پیمانک: ۳۰۰۷۲۸۱  
 دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir

